

مطالعه تطبیقی نیابت قضایی در حقوق ایران و فرانسه

دکتر عبدالخالق قاسمی^{۱*} و دکتر ابراهیم رضایی^{۱**}

۱- عضو کادر علمی دانشکده حقوق، دانشگاه کاتب

چکیده

یکی از نهادهای مهم حقوقی که در تسهیل و تسریع روند رسیدگی قضایی در مراجع رسیدگی کننده، نقش اساسی دارد، نیابت قضایی است. نیابت قضایی نهادی است که مبتنی بر صلاحیت محلی دادگاه شکل می‌گیرد و براساس مقررات مربوط به آن در مواردی که رسیدگی قضایی به دلایل از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محل یا هر اقدامی دیگری که باید خارج از مقر دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به دعوا یا خارج از کشور، انجام شود و مباشرت دادگاه (محکمه) شرط نباشد، دادرس به منظور جلوگیری از توقف دادرسی ملزم است به دادگاه (محکمه) صلاحیت دار محل، نیابت دهد تا دادگاه (محکمه) نایب حسب مورد اقدامات لازم را انجام داده و نتیجه را به طور مکتوب و طی صورت مجلس به دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده ارسال کند، در نتیجه، دادرس رسیدگی کننده با بررسی اسناد و دلایل موجود (به طور غیر مستقیم) به تصمیم قطعی رسیده و با انشأ رأی فصل خصومت نماید. سؤال این است که قضات محاکم برای انجام چه اموری می‌توانند نیابت قضایی بدهند و نیابت قضایی در حقوق ایران و فرانسه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. نوشتار حاضر در راستای پاسخ به پرسشهای مزبور نهاد نیابت قضایی در حقوق ایران و فرانسه را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده و به این نتیجه رسیده است که قضات می‌توانند برای تحقیقات از مطلعین و گواهان، معاینه محلی و هر اقدامی که مباشرت دادگاه (محکمه) در آن شرط نباشد، نیابت قضایی اعطا کنند و در حقوق فرانسه نیز قضات برای انجام هر عمل قضایی که ضروری بدانند می‌توانند نیابت بدهند و بین حقوق ایران و فرانسه در مورد نیابت قضایی شباهت‌های فراوان وجود دارد اما علی‌رغم شباهت‌های مزبور تفاوت‌های متعددی نیز به چشم می‌خورد.

کلمات کلیدی: حوزه قضایی، نیابت قضایی، نیابت دهنده، محکمه نایب، حقوق ایران، حقوق

فرانسه

*- Abdulkhaleq.Qasemi@kateb.edu.af

** - Irezaci@kateb.edu.af

مقدمه

بحث نیابت قضایی زمانی قابل طرح است که دادگاه (محکمه) نیابت دهنده و نایب هر دو صلاحیت ذاتی و حق رسیدگی به پرونده مورد نظر را داشته و تنها از حیث صلاحیت محلی متفاوت باشند. به دیگر سخن، نیابت قضایی زمانی موضوعیت می‌یابد که دادگاه (محکمه) نیابت دهنده (دادگاه رسیدگی کننده) و دادگاه (محکمه) نایب هر دو واجد صلاحیت ذاتی و حق رسیدگی به موضوع دعوا مورد نظر باشند؛ اما دادگاه (محکمه) نیابت دهنده فاقد صلاحیت محلی نسبت به رسیدگی به دلایل و شواهدی باشد که در حوزه قضایی دادگاه (محکمه) نایب قرار دارند؛ از این رو، قانون‌گذار با ایجاد نهاد حقوقی نیابت قضایی، دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده را ملزم نموده است که با اعطای نیابت به دادگاه (محکمه) محل وقوع اسناد و دلایل، مانع توقف دادرسی شده و با بررسی غیر مستقیم دلایل در صورت حصول اطمینان، اقدام به صدور رأی و فصل خصومت نماید.

البته، قلمرو نیابت قضایی بسیار وسیع بوده و به نیابت قضایی داخلی و بین‌المللی، حقوقی و کیفری و اجرایی و تحقیق و پژوهش قابل تقسیم است که پرداختن به همه حوزه‌های مزبور از حوصله این نوشتار خارج می‌باشد؛ لذا، نوشتار حاضر به بررسی نیابت قضایی داخلی در امر تحقیق و پژوهش در قضایای حقوقی اکتفا نموده و سایر مباحث را به جایی دیگر و فرصت مناسب‌تر واگذار می‌کند.

سؤال این است که قضات محاکم برای انجام چه اموری می‌توانند نیابت قضایی بدهند و نیابت قضایی در حقوق ایران و فرانسه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. نوشتار حاضر در راستای پاسخ به پرسه‌های مزبور سعی دارد نخست مفاهیم لغوی و اصطلاحی نیابت قضایی را بررسی نموده سپس هدف، اقسام و موارد اعطای نیابت قضایی و همچنین مهم‌ترین ویژگی‌های نیابت قضایی داخلی در حوزه حقوق مدنی در حقوق ایران و فرانسه را مورد بررسی دقیق قرار دهد و در پایان برآیند و نتیجه‌ی تحقیق را ارائه نماید.

الف) کلیات و مفاهیم

۱. تعریف نیابت قضایی

۱-۱-۱. در لغت

۱-۱-۱. نیابت

واژه‌ی «نیابت» در لغت به معنای جانشینی، وکالت، خلافت، قائم مقامی و بجای کسی ایستادن، آمده است (دهجد، ۱۳۴۶، ج ۴۸، ۹۷۳؛ انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ۸۰۶۵؛ کریمی زنجانی، ۱۳۸۹، ۵۴۰).

۱-۱-۲. قضایی

واژه‌ی «قضایی» در لغت «اسم منسوب به قضا است» (انصاری و طاهری، ۱۳۸۴، ج ۳، ۱۵۵۷)، صفت مربوط به شغل یا عمل قضاوت است (صدری افشاری و حکمی، ۱۳۸۱، ۹۷۰)، یعنی هر امری که مربوط به داوری، قضاوت و امور قضایی باشد. صفت مسائل قابل طرح در دادگاه، صفت مسایل ترافعی، منسوب به صلاحیت دادن حکم به استناد حق و اختیار قانونی است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۴، ۲۹۳۶).

۱-۱-۳. نیابت قضایی

واژه‌ی «نیابت قضایی» به معنای وکالت قضایی است؛ یعنی دادگاهی که مشغول رسیدگی به واقعه است به قاضی حوزه قضایی^۱ دیگر یا کشور دیگر نیابت و وکالت می‌دهد تا از طرف قاضی ارجاع دهنده تحقیقات خاصی را انجام داده و نتیجه را به دادگاه (محکمه) مزبور ارسال کند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۵، ۳۷۰۷). به عبارت دیگر به قراری که قاضی یک شهرستان برای قاضی شهرستان دیگر صادر می‌کند تا اقدامات قضایی معینی را وکالتا و به نیابت وی انجام دهد، نیابت قضایی اطلاق می‌شود (انوری، ۱۳۸۱، ج ۸، ۸۰۶۵؛ کریمی زنجانی، ۱۳۸۹، ۵۴۰).

۱-۲. در اصطلاح

نیابت قضایی در اصطلاح حقوقی عبارت از یک تأسیس حقوقی است که امکان تحصیل دلیل و بررسی آن را توسط مرجع قضایی دیگر فراهم می‌کند تا روند رسیدگی تسهیل شده و امکان احقاق حق برای دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده میسر گردد. به بیان دیگر «نیابت قضایی عبارت است از این که یک قاضی به قاضی حوزه قضایی دیگر نمایندگی می‌دهد تا از جانب او یک اقدام قضایی را انجام دهد و نیابت قضایی برای انجام هر اقدامی که باید خارج از مقر دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه (محکمه) شرط نباشد، اعطا می‌گردد» (سریر، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۸۴).

^۱ . به موجب تبصره ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی «حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان که دادگاه (محکمه) در آن واقع است. تقسیم بندی حوزه قضایی به واحدهایی از قبیل مجتمع یا ناحیه، تغییری در صلاحیت عام دادگاه (محکمه) مستقر در آن نمی‌دهد». مقر دادگاه (محکمه) نیز شهری است که دادگاه (محکمه) در آن قرار دارد.

به دیگر سخن: به موجب ماده ۲۹۰ آیین دادرسی مدنی^۱ در مواردی که رسیدگی قضایی به دلایل از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محل، باید خارج از مقر دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به دعوا انجام شود و مباشرت دادگاه (محکمه) شرط نباشد، این مرجع باید به دادگاه (محکمه) صلاحیت‌دار محل، نیابت دهد تا حسب مورد اقدامات لازم را انجام داده و نتیجه را طی صورت مجلس به دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده ارسال کند.

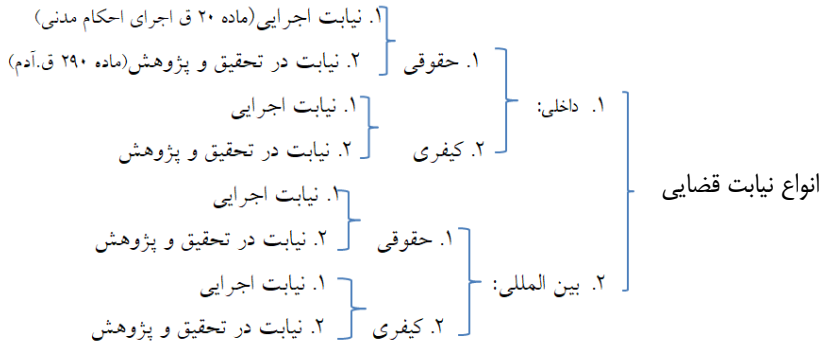
۲. هدف از نیابت قضایی

هدف از تدوین مقررات قانونی نیابت قضایی (در قالب مقررات شکلی در مسایل جزایی و مدنی)، جلوگیری از وقفه احتمالی در رسیدگی‌ها است. به دلیل آن که اگرچه، صلاحیت هر مرجع قضایی محدود به یک حوزه مشخص است؛ اما همیشه کل پروسه و روند رسیدگی محدود به همان حوزه قضایی نمی‌شود؛ زیرا، برخی اوقات با وجود این که دعوا در صلاحیت یک حوزه قضایی است اما دلایل و اسناد رسیدگی به آن در حوزه دادگاه (محکمه) دیگر قرار دارد یا اساساً در خارج از مرزهای کشور است؛ از این رو، نهاد نیابت قضایی برای رفع این مشکل و جلوگیری از توقف روند رسیدگی، ایجاد شده است تا قاضی پس از بررسی اسناد و دلایل موجود به طور غیر مستقیم (بواسطه دادگاه (محکمه) نایب)، بتواند به یک تصمیم قطعی رسیده و با انشأ رأی فصل خصومت نماید.

۳. انواع نیابت قضایی

نیابت قضایی در یک تقسیم بندی کلی به داخلی و بین‌المللی، حقوقی و کیفری و اجرایی و تحقیق و پژوهش قابل تقسیم است که محور بحث در این نوشتار نیابت داخلی در تحقیق و پژوهش در حوزه قضایی حقوقی است.

^۱ ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: «در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محلی و یا هر اقدام دیگری که می‌بایست خارج از مقر دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه (محکمه) شرط نباشد، مرجع مذکور به دادگاه (محکمه) صلاحیت‌دار محل نیابت می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول و نتیجه را طی صورت مجلس به دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه (محکمه) باشد». در مواد دیگر این قانون نیز به نیابت قضایی



۴. فرق نیابت قضایی با اناطه

با توجه به مواد ۱۹ و ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، تفاوت‌های نیابت قضایی و اناطه عبارتند از:

۱. صدور قرار اناطه در جایی است که رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه (محکمه) دیگری است؛ در حالی که در نیابت قضایی اساساً بحث صلاحیت قضایی دادگاه (محکمه) دیگر مطرح نیست، بلکه هر دادگاه (محکمه) یا مرجعی که امکان انجام مورد نیابت برایش فراهم باشد به درخواست دادگاه (محکمه) اعطا کننده نیابت مکلف به اجرای مفاد قرار نیابت است. دعوای دیگری در موضوع نیابت قضایی مورد نظر نیست بلکه همان دعوا یا شکایت اولیه‌ی در حال رسیدگی است اما بخشی از رسیدگی و تحقیقات به دادگاه (محکمه) دیگری که امکان عملی اجرای قرار نیابت برایش فراهم است، اعطا می‌شود.
۲. در قرار اناطه رسیدگی به دعوا موقتا متوقف می‌شود. در حالی که در نیابت قضایی، گذشته از اینکه دعوا متوقف نمی‌شود، اتفاقاً در تداوم دعوای مطرح شده رسیدگی همچنان ادامه خواهد داشت. در واقع نیابت قضایی نوعی ادامه رسیدگی است نه توقف آن.
۳. نیابت قضایی یک نوع رسیدگی طولی و اناطه به نوعی رسیدگی موازی است. به عبارت دیگر، اقدامات مورد درخواست مرجع اعطاکننده نیابت دقیقاً باید توسط مرجع مجری نیابت به عمل آید. در حالی که در قرار اناطه هرچند ممکن است دعوای مطرح شده در دادگاه (محکمه) دیگر، موثر در نتیجه رسیدگی به دعوای حاضر باشد، هرگز در راستای آن نخواهد بود.
۴. در قرار اناطه دو دعوا مورد نظر است؛ در حالی که در نیابت قضایی صرفاً یک دعوا مطرح می‌شود و در حال رسیدگی است.

ب) نیابت قضایی در حقوق ایران و فرانسه

۱. استثناء بودن نیابت قضائی

با توجه به ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی^۱ و مقررات موجود پیرامون تحقیق محلی، معاینه محل، استماع گواهی گواهان، اتیان سوگند و... می‌توان گفت اصل این است که رسیدگی به کلیه دلایل از جمله تحقیق محلی و معاینه محل باید توسط دادگاهی انجام شود که به دعوا رسیدگی می‌کند (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۲۸). مگر در مواردی که قانونا امکان رسیدگی و بررسی مستقیم ادله و شواهد توسط دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده وجود نداشته باشد، (به دلیل وقوع ادله خارج از مقر دادگاه) در این صورت به دستور ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی و برخی مواد دیگر^۲ استثناء دادگاه (محکمه) می‌تواند با اعطای نیابت قضایی به دادگاه (محکمه) دیگر، از وی بخواهد که موضوع را بررسی و نتیجه را به صورت مکتوب به وی ارسال نماید (بهرامی، ۱۳۸۵، ۲۳۵؛ شریفی و کریمی، ۱۳۷۶، ۱۸۰ - ۱۷۹). در حقوق فرانسه نیز اعطای نیابت قضایی امری استثنایی است و قاضی فقط در مواردی حق اعطای نیابت دارد که «... دوری طرفین یا دوری اشخاصی که باید به دادگستری کمک کنند، یا دوری محل، موجب صعب و پرهزینه شدن جا به جایی شود...» (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۶) در این صورت قاضی می‌تواند با درخواست طرفین دعوا یا رأساً اقدام به اعطای نیابت قضایی به مرجع قضایی دیگر نمایند. ماده ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۶).

۲. از الزامات بودن نیابت قضایی

به نظر می‌رسد نیابت قضایی از الزامات دادرسی است نه تشریفات؛ زیرا، در روند دادرسی نقش اساسی دارد و در مواردی که رسیدگی به دلایل یا هر اقدام دیگر که می‌بایست خارج از مقر دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به دعوا انجام شود، ادامه دادرسی مبتنی بر نیابت قضایی است و با حذف آن، روند رسیدگی متوقف خواهد شد و حتی در برخی موارد ممکن است دلایل مزبور تنها مبانی و مستندات صدور حکم باشند. از این رو، به نظر می‌رسد نیابت قضایی از الزامات دادرسی بوده و در تمام دعاوی حتی دعاوی خانوادگی هم جریان دارد و حذف تشریفات در دعاوی خانوادگی به موجب ماده ۸ قانون حمایت از خانواده، آسیبی به الزامی بودن آن نمی‌رساند.

۳. موارد اعطای نیابت قضایی

به موجب ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده به عوا در چند مورد می‌تواند به دادگاهی در حوزه قضایی دیگر نیابت دهند که عبارتند از:

^۱ ماده ۲۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی: «رسیدگی به دلایلی که صحت آن بین طرفین مورد اختلاف و مؤثر در تصمیم نهایی باشد، در جلسه دادرسی به عمل می‌آید مگر در مواردی که قانون طریقی دیگری معین کرده باشد».

^۲ مانند مواد ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۸۸ و ۳۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی و تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۴/۱۵/۱۳۷۳ اصلاحی ۱۳۸۱/۷/۲۸ که می‌گوید: «هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه (محکمه) دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه (محکمه) باید جمع آوری شود دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده می‌تواند با اعطای نیابت قضایی از دادگاه (محکمه) آن حوزه انجام آن تحقیقات اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد».

۱. نیابت برای تحقیقات از مطلعین

۲. نیابت برای تحقیقات از گواهان

۳. نیابت برای معاینه محلی

۴. نیابت قضایی برای هر اقدامی که باید خارج از مقر دادگاه (محکمه) انجام شود و مباشرت

دادگاه (محکمه) در آن شرط نباشد (امیرافسران و علوی، ۱۳۸۵، ۲۰۷-۲۰۶).

در حقوق فرانسه نیز به موجب ماده ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی آن کشور قاضی می‌تواند به منظور انجام هر گونه عمل قضایی که ضروری می‌داند نیابت دهد (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۶). نیابت قضایی عموماً برای تحقیق امری ضمن رسیدگی به موضوع اصلی انجام می‌شود و تصمیم‌گیری در مورد آن یا ضمن رسیدگی در جلسه علنی و یا در اطاق مشاوره صورت می‌گیرد و انصراف از اجرای نیابت تنها به وسیله دادگاه (محکمه) نیابت دهنده امکان‌پذیر است مشروط بر این‌که دادگاه (محکمه) نایب شروع به اجرای نیابت نکرده باشد و برای انصراف از اجرای نیابت ذکر دلیل و اقامه‌ی برهان لازم نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۴۵۳ - ۴۵۲).

۴. لزوم تفوق یا تساوی درجه دادگاه (محکمه) نیابت دهنده

اگر چه در قانون حکمی صریحی وجود ندارد ولی همانگونه که در حقوق فرانسه پذیرفته است درجه دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده باید از درجه دادگاه (محکمه) نایب، بالاتر یا مساوی با آن باشد (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۰). از این رو، دادگاه (محکمه) نیابت دهنده فقط می‌تواند امر رسیدگی را به یک دادگاه (محکمه) صالح هم عرض یا تالی در حوزه قضایی دیگر واگذار کند.

در این راستا ذیل ماده ۷۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه صراحتاً می‌گوید: «... قاضی می‌تواند به درخواست طرفین یا رأساً، به مرجع قضایی هم درجه یا پایین‌تری که در قلمرو جمهوری مناسب تشخیص می‌دهد، به منظور انجام هر گونه عمل قضایی که ضروری می‌داند نیابت دهد» (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۶). بنابراین، هیچگاه نیابت قضایی از طرف دادگاه (محکمه) تالی به دادگاه (محکمه) عالی اعطاء نمی‌شود و اصولاً هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دادگاه (محکمه) دیگری نیابت قضایی دهد مگر این که دادگاه (محکمه) مزبور در ردیف خود آن دادگاه (محکمه) یا پایین از آن قرارداشته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۴۵۳ - ۴۵۲).

بنابراین، در حقوق ایران و فرانسه دادگاه (محکمه) تجدید نظر می‌تواند به دادگاه (محکمه) عمومی نیابت دهد؛ اما دادگاه (محکمه) عمومی نمی‌تواند به دادگاه (محکمه) تجدید نظر نیابت دهد؛ به دلیل آن که دادگاه (محکمه) نیابت دهنده و نایب هر دو باید صلاحیت ذاتی جهت رسیدگی به قضیه مورد نظر را داشته و فقط از نظر صلاحیت محلی متفاوت باشند. به عبارت دیگر در اعطای نیابت، نایب نیز همانند نیابت دهنده باید حق و صلاحیت انجام موضوع نیابت را داشته باشد تا بتواند نیابت را بپذیرد؛ و الا پذیرش و انجام موضوع نیابت غیر قانونی و فاقد اعتبار حقوقی خواهد بود و از آن‌جا که دادگاه (محکمه)

تجدید نظر فاقد صلاحیت ذاتی برای ورود به پرونده‌های مربوط به دادگاه (محکمه) بدوی است؛ لذا، دادگاه (محکمه) عمومی نمی‌تواند به دادگاه (محکمه) تجدید نظر نیابت قضایی دهد.

از این رو، در دادرسی حقوقی، دادگاه (محکمه) عمومی به دادگاه (محکمه) انقلاب یا دادگاه (محکمه) نظامی یا دادگاه (محکمه) ویژه روحانیت نیز نمی‌تواند نیابت دهد (زراعت، ۱۳۸۵، ۹۱۰). زیرا، دادگاه‌های مزبور، دادگاه‌های اختصاصی است و دادگاه‌های اختصاصی فقط صلاحیت رسیدگی به آن دسته از دعاوی را دارند که قانون‌گذار صراحتاً در صلاحیت آن‌ها قرار داده است. در غیر از موارد مصرح قانونی فاقد صلاحیت ذاتی برای رسیدگی می‌باشند. بر خلاف مراجع عمومی که صلاحیت رسیدگی به تمامی دعاوی را دارا می‌باشند مگر دعاوی که قانون‌گذار از صلاحیت آن‌ها خارج کرده است.

البته، در کلان شهرها (مانند تهران) که براساس تقسیمات داخلی، چند مجتمع قضایی وجود دارد، لازم نیست که یک مجتمع به مجتمع دیگر نیابت قضایی دهد؛ بلکه خود می‌تواند مستقیماً تحقیقات و اقدامات لازم را انجام دهد، چون همه جزء یک حوزه قضایی واحد هستند (زراعت، ۱۳۸۵، ۹۱۰-۹۰۹) و تعدد دادگاه‌ها بخاطر تقسیم کار و تسهیل روند رسیدگی است. لذا، دادگاه‌ها می‌توانند به پرونده‌های نزدیک به دادگاه (محکمه) دیگر رسیدگی کنند، چون همه‌شان صلاحیت محلی دارند. برخلاف وحدت در صلاحیت محلی وحدت در صلاحیت ذاتی سبب نمی‌شود که دادگاهی بتواند به پرونده دادگاهی از حوزه محلی دادگاه (محکمه) دیگر رسیدگی کند.

هم‌چنین، همانگونه که در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است مرجع عمومی نمی‌تواند اختیارات خود حتی در امر رسیدگی به دلایل را به مراجع اختصاصی واگذار کند (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۰). اما سؤال این جاست که آیا مرجع استثنایی و اختصاصی می‌تواند به مرجع عمومی نیابت دهد یا خیر؟ در پاسخ می‌توان گفت اگر مرجعیت و صلاحیت عام مراجع عمومی را مد نظر قراردهیم، پاسخ مثبت تقویت می‌شود؛ زیرا، دادگاه (محکمه) عمومی ذاتاً صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی را دارد مگر ما خرج بالدلیل؛ ولی از آنجا که در نیابت قضایی دادگاه (محکمه) نایب مکلف می‌شود که موضوع نیابت را به طور دقیق مطابق درخواست دادگاه (محکمه) نیابت دهنده انجام دهد، باید گفت مرجع عمومی در صورتی مکلف به پذیرش چنین نیابت‌هایی است که در قانون تصریح شده باشد (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۰)؛ همان‌گونه که در ماده ۱۵ قانون دیوان عدالت اداری صراحتاً بیان شده است: «شعبه مأمور رسیدگی می‌تواند در حدود قانون هر گونه تحقیقی را که ضروری است به عمل آورده یا انجام آن را از هر یک از مراجع قضایی یا اداری تقاضا نماید و مراجع مذکور مکلف به انجام آن می‌باشند».

۵. الزامی بودن نیابت قضایی

در ماده ۴۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی قدیم واژه «می‌تواند» بکار رفته بود که موجب ایجاد این شبهه می‌شد که اعطای نیابت قضایی امر اختیاری و در اختیار قاضی است ولی با حذف این کلمه در ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی جدید، معلوم می‌شود که قانون‌گذار اعطای نیابت قضایی را امر الزامی دانسته (زراعت، ۱۳۸۵، ۹۱۰) و قاضی مکلف به اعطای نیابت است؛ و خود حق ندارد مستقیماً در

حوزه قضایی دیگر به تحقیق یا اقدامات دیگر پردازد؛ زیرا، انجام وظیفه هر قاضی محدود به همان حوزه قضایی مقر دادگاه می‌باشد (حبیبی تبار، ۱۳۸۶، ۴۶).

البته، ممکن است گفته شود که آمدن قید «مباشرت دادگاه (محکمه) شرط نباشد» در ماده ۲۹۰ باز هم به نوعی مختار بودن قاضی در اعطای نیابت را می‌رساند و بدان معناست که اگر مباشرت دادگاه (محکمه) شرط باشد قاضی می‌تواند و یا باید نیابت ندهد؛ در پاسخ می‌توان گفت که قید مزبور آسیبی به عدم اختیار و الزام به نیابت قضایی نمی‌رساند، زیرا، در نشست قضایی دادگستری بستان آباد، در بهمن ۱۳۸۰ با نظر اکثریت قضات شرط مباشرت محدود به صدور رأی و انشای حکم شده است یعنی دادرسی رسیدگی کننده نمی‌تواند صدور و انشای رأی را در قالب اعطای نیابت از مرجع مجری نیابت درخواست نماید بلکه خودش شخصا و مباشرتا مبادرت به انشای رأی نماید و در سایر امور اعم از تحقیقات، معاینه محل، استماع شهادت و... قاضی ملزم به اعطای نیابت می‌باشد (زرعات، ۱۳۸۵، ۹۱۰).

اما به موجب بخش اخیر ماده ۲۵۰^۱ و تبصره ماده ۳۵۴^۲ قانون آیین دادرسی مدنی اگر فقط گواهی گواه، معاینه و تحقیق محلی مبنای رأی دادگاه (محکمه) باشد، قاضی نه تنها ملزم به اعطای نیابت نیست که مکلف است ضمن خودداری از اعطای نیابت، خود، از حوزه دادگاه (محکمه) خویش خارج شده و معاینه و تحقیق محلی را شخصا انجام دهد. (مگر این که گزارش مورد وثوق و اطمینان دادگاه (محکمه) باشد) دستور ماده مزبور استثنایی بر اصل محدودیت انجام وظیفه قاضی در حوزه قضایی خویش می‌باشد.

استثنای مزبور شاید به این دلیل صورت گرفته است که برخی اوقات خصوصا مواردی که تحقیقات محلی مبنای اصلی صدور حکم است، مباشرت قاضی رسیدگی کننده به پرونده در اجرای قرار تحقیقات و معاینه محلی و بررسی عین آثار و عوامل موجود، در میزان درک حقایق و قضاوت صحیح نقش بسزایی دارد تا بررسی نتیجه تحقیقات و ملاحظات قاضی نایب؛ از این رو، با توجه به اهمیت و انحصار مستندات حکم به بررسی دلایل مزبور، استثناء به قاضی اجازه خروج از حوزه دادگاه (محکمه) خویش داده شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۴۵۷). در حقوق فرانسه نیز «نیابت گاه الزامی است و آن در موردی است که تحقیقاتی خارج از حوزه قضایی لازم باشد و گاه اجباری است و آن در موردی است که اصحاب دعوا یا نقطه مورد بحث از مقر دادگاه (محکمه) دور باشند.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۴۵۳).

^۱ ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: «اجرای قرار معاینه محل یا تحقیق محلی ممکن است توسط یکی از دادرسان دادگاه (محکمه) یا قاضی تحقیق به عمل آید. وقت و محل تحقیقات باید از قبل به طرفین اطلاع داده شود. در صورتی که محل تحقیقات خارج از حوزه دادگاه (محکمه) باشد، دادگاه (محکمه) می‌تواند اجرای تحقیقات را از دادگاه (محکمه) محل درخواست نماید. مگر این که مبنای رأی دادگاه (محکمه) معاینه یا تحقیقات محلی باشد که در این صورت باید اجرای قرارهای مذکور توسط شخص قاضی صادرکننده قرار رأی صورت گیرد یا گزارش مورد وثوق دادگاه (محکمه) باشد.»

^۲ ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «... و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگر باشد با اعطای نیابت قضایی به دادگاه (محکمه) محل، درخواست اجرای قرار را خواهد نمود.

تبصره - در موردی که مبنای رأی دادگاه (محکمه) فقط گواهی گواه یا معاینه محل باشد توسط قاضی صادر کننده رأی انجام خواهد شد مگر اینکه گزارش مورد وثوق دادگاه (محکمه) باشد.»

۶. عدم تعیین شعبه نایب

دادگاه نیابت‌دهنده نمی‌تواند شعبه دادگاه (محکمه) نایب را مشخص کند. حتی اگر از حیث درجه بالاتر از دادگاه (محکمه) نایب باشد؛ مثلاً دادگاه (محکمه) تجدید نظر استان نمی‌تواند شعبه دادگاه (محکمه) نایب را تعیین کرده و انجام مورد نیابت را از وی بخواهد؛ زیرا، توزیع کارها در هر حوزه قضایی، بر عهده رئیس مستقیم همان حوزه است (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۲۹-۱۳۰) و دخالت اشخاص یا افراد دیگر موجب بی‌نظمی و بی‌انضباطی اداری و ایجاد اختلال در روند رسیدگی خواهد شد. در حقوق فرانسه نیز «عملاً نیابت قضایی به رئیس دادگاه (محکمه) حوزه مورد نظر واگذار می‌شود با اختیار واگذاری این نیابت به یکی از قضات حوزه قضایی دادگاه (محکمه) مرجوع الیه.» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۱، ج ۵، ۴۵۳).

۷. لزوم تعیین دقیق قلمرو نیابت

هرگاه قاضی رسیدگی کننده به دعاوی حقوقی (اعم از دعاوی خانوادگی و غیر آن) خود را صالح به رسیدگی می‌داند، ولی برای رسیدگی باید اقداماتی در حوزه قضایی دیگر انجام شود، در این صورت قاضی نمی‌تواند به طور مستقیم به مأمورین دادگستری در حوزه قضایی دیگر دستور انجام اقدامات مزبور را داده و از آن‌ها نتیجه را مطالبه نماید؛ بلکه وظیفه دارد تمام اقداماتی که در حوزه دیگر باید انجام شود را، به نحو دقیق، کامل، مستدل و به صورت مکتوب، خطاب به ریاست حوزه قضایی مورد نظر نوشته و اختیارات مرجع مجری مفاد نیابت را به صورت دقیق تعیین کند (حبیبی تبار، ۱۳۹۴، ۴۵) و همراه با اسناد و مدارک لازم به داگاه مجری نیابت ارسال نماید و دادگاه (محکمه) مزبور نیز مکلف است در همان محدوده‌ی تعیین شده اقدام به اجرای مفاد نیابت نماید تخطی از حدود تعیین شده تخلف انتظامی خواهد بود.

جرای موضوع نیابت توسط دادگاه (محکمه) مجری نیابت مشمول همان ترتیباتی است که برای دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده پیش بینی شده است» (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۰). مثلاً اگر موضوع نیابت معاینه محل باشد، باید زمان و مکان معاینه‌ی محل توسط دادگاه (محکمه) نایب به طرفین دعوا ابلاغ شود و صورت جلسه‌ی معاینه محل تنظیم و به امضای اصحاب دعوا و دادرس مجری قرار برسد و به دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده، همراه با اسناد و مدارک لازم ارسال شود (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۰). البته، دادگاه (محکمه) مجری نیابت اصولاً حق اظهار نظر ماهیتی اعم از حقوقی و جزایی را ندارد؛ و ارزیابی تحقیقات و اقدامات که دادگاه (محکمه) نایب انجام داده در صلاحیت دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده است و دادگاه (محکمه) نیابت‌دهنده نمی‌تواند اختیارات قضایی خود را ولو به طور جزئی با نیابت واگذار کند (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۱).

۸. لزوم اجرای نیابت

هرگاه اعطاء نیابت قضایی براساس ضوابط و رعایت مقررات قانونی صورت گرفته باشد، دادگاه (محکمه) نایب مکلف است مفاد نیابت را در حدود اختیارات محوله به نحو دقیق انجام داده و «... نتیجه را طی صورت مجلس به دادگاه (محکمه) نیابت دهنده ارسال نماید...» (ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی). خودداری از اجرای مفاد نیابت، تخلف انتظامی محسوب شده و قاضی متخلف تحت پیگرد انتظامی قرار خواهد گرفت. مگر این که در مفاد نیابت خلاف آشکار قانونی، بیاید که در این صورت حق اجرای آن را نداشته و باید مراتب را به صورت مستدل و مستند به قاضی نیابت دهنده تذکر داده و وی را از عدم اجرای نیابت مطلع سازد (حبیبی تبار، ۱۳۸۶، ۴۷؛ حبیبی تبار، ۱۳۹۴، ۴۵).

در حقوق فرانسه نیز دادگاه (محکمه) نایب مکلف است به محض وصول مدارک ارسال شده اجرای عملیات نیابت را آغاز نماید؛ ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه در این راستا می‌گوید: «تصمیم به همراه تمامی مدارک مفید توسط دفتر مرجع قضایی نیابت دهنده به مرجع قضایی مورد نیابت ارسال می‌گردد. به محض وصول، به عملیات مورد نظر به ابتکار مرجع قضایی مورد نیابت یا قاضی‌ای که رئیس این مرجع قضایی برای این کار منصوب می‌کند اقدام می‌شود...». و به دستور ماده ۷۳۲ همان قانون، مدیر دفتر مرجع قضایی که اقدام به اجرای نیابت قضایی نموده مکلف است به محض انجام عملیات نیابت صورت مجلس‌ها را به همراه اسناد و موضوعات پیوست شده یا ارائه شده به دادگاه (محکمه) نیابت دهنده ارسال نماید (محسنی، ۱۳۹۳، ۲۹۶-۲۹۷).

۹. معیار اعتبار اقدامات دادگاه (محکمه) نایب

به موجب ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی، معیار اعتبار اقدامات انجام شده توسط دادگاه (محکمه) نایب مورد وثوق بودن آن برای دادگاه (محکمه) نیابت دهنده است. به دیگر سخن، اقدامات انجام شده در صورتی معتبر بوده و در تصمیم دادگاه (محکمه) رسیدگی کننده مؤثر است که مورد وثوق دادگاه (محکمه) نیابت دهنده باشد، در غیر آن صورت دادگاه (محکمه) نمی‌تواند مطابق آن تصمیم بگیرد. اگرچه در قانون تکلیف حالتی که اقدامات انجام شده مورد وثوق قرار نمی‌گیرد مشخص نشده است، اما، باید پذیرفت که در این صورت دادگاه (محکمه) نیابت دهنده می‌تواند تکرار اقدامات و انجام دوباره مورد نیابت را از دادگاه (محکمه) نایب بخواهد (شمس، ۱۳۸۵، ج ۳، ۱۳۱).

۱۰. شمول امور حسبی

به موجب ماده ۵ قانون امور حسبی «مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود» و همچنین به موجب ماده ۴ همان قانون «در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آن جا مطرح است باید انجام شود دادگاه (محکمه) مزبور می‌تواند انجام آن امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه (محکمه) نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه (محکمه) ارجاع کننده امر

می‌فرستد». بنابراین، نهاد حقوقی نیابت قضایی اختصاص به دعاوی حقوقی نداشته و در امور حسبی نیز جریان دارد.

نتیجه

از آن‌چه بیان شد معلوم می‌شود که مقررات آیین دادرسی مدنی در حقوق ایران و فرانسه در مورد نهاد حقوقی نیابت قضایی شباهت‌های فراوان دارند اما علی‌رغم شباهت‌های مزبور تفاوت‌هایی نیز به چشم می‌خورد مثلاً در حقوق فرانسه هرگاه دوری طرفین دعوا یا اشخاصی که به دادگستری کمک می‌کنند یا دوری محل مورد منازعه از دادگاه (محکمه) موجب دشواری و پر هزینه شدن رفت و آمد باشد، قاضی می‌تواند به درخواست طرفین دعوا یا رأساً به مرجع قضایی دیگر نیابت دهد. در حالی که در حقوق ایران برای موارد مزبور به دادگاه (محکمه) حق اعطاء نیابت قضایی به دادگاه (محکمه) دیگر داده نشده است.

در حقوق فرانسه طرفین دعوا هم می‌توانند درخواست اعطاء نیابت قضایی کنند، در حالی که براساس مقررات موجود در حقوق ایران طرفین دعوا حق چنین درخواستی ندارند. هم‌چنین در حقوق فرانسه تصریح شده است که دادگاه (محکمه) نایب باید هم درجه یا پایین‌تر از دادگاه (محکمه) نیابت دهند باشد ولی در حقوق ایران چنین صراحتی دیده نمی‌شود. هم‌چنین در حقوق فرانسه دادگاه (محکمه) نایب به محض وصول مدارک ارسال شده توسط دادگاه (محکمه) نیابت دهنده، باید فوراً اجرای عملیات نیابت را آغاز نماید در حالی که در حقوق ایران چنین تأکیدی بر فوریت اجرای عملیات نیابت وجود ندارد.

فهرست مأخذ

۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۶)، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، بی‌چا، ج ۴۸.
۲. انوری (سرپرست)، حسن، (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، اول، ج ۸.
۳. کریمی زنجانی، حسین، (۱۳۸۹)، فرهنگ دادرسی، تهران، انتشاراتی نگاه بینه.
۴. انصاری، مسعود و طاهری، محمد علی، (۱۳۸۴)، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران، مهراب، ج ۳.
۵. حبیبی تبار، جواد، (۱۳۸۶)، گام به گام با امور حسبی، قم، نشر گام به گام.
۶. حبیبی تبار، جواد، (۱۳۹۴)، گام به گام با حقوق خانواده، تهران، میزان، چاپ اول.
۷. زراعت، عباس، (۱۳۸۵)، قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران، خط سوم، تهران، چاپ سوم.
۸. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، دوم، ج ۴.
۹. شمس، عبدالله، (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، تهران، دراک، چاپ هفتم، ج ۳.
۱۰. صدقی افشاری، غلام حسین و حکمی، نسرتن، (۱۳۸۱)، فرهنگ معاصر فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۱۱. محسنی، حسن، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی فرانسه (ترجمه و پژوهش)، تهران، شرکت انتشار.
۱۲. بهرامی، بهرام، (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی کاربردی، تهران، نگاه بینه.
۱۳. امیر افسران، قاسم و علوی، ابوذر، (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی در آئینه نمودار، تهران، نگاه بینه، چاپ اول.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۱)، دانشنامه حقوقی، تهران، گنج دانش، ششم، ج ۵.
۱۵. سریر، فرزانه، (۱۳۸۶)، نکات طبقه بندی شده موضوعی آیین دادرسی مدنی، تهران، مجد، چاپ اول.
۱۶. کریمی، حسین و شریفی، مهدی، (۱۳۹۳)، آیین دادرسی مدنی، تهران، میزان، چاپ اول.
۱۷. قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، ایران.
۱۸. قانون آیین دادرسی مدنی، فرانسه.
۱۹. قانون آیین دادرسی مدنی، ایران.
۲۰. قانون امور حسبی، ایران.
۲۱. قانون اجرای احکام، ایران.